



مهمان نوازی حضرت علی علیه السلام

مردی با پرسش، مهمان حضرت علی(ع) شدند. حضرت علی(ع) با اکرام و احترام زیاد دو مهمان خود را بالای اتاق نشاند و خود امام(ع) روبه روی آن ها نشست. بعد از مدتی موقع غذا رسید. حضرت(ع) غذا آورد و مهمان ها غذا خوردند.

مردی با پرسش، مهمان حضرت علی(ع) شدند. حضرت علی(ع) با اکرام و احترام زیاد دو مهمان خود را بالای اتاق نشاند و خود امام(ع) روبه روی آن ها نشست. بعد از مدتی موقع غذا رسید. حضرت(ع) غذا آورد و مهمان ها غذا خوردند.

بعد از غذا، قنبر، غلام معروف حضرت علی(ع) طشت و پارچ آبی برای شستن دست و حوله ای برای خشک کردن دست مهمان ها آورد. همین که خواست روی دست های مهمان آب بریزد، حضرت علی(ع) آن ها را از دست قنبر گرفت تا خودش دست مهمان را بشوید. مهمان دست خود را عقب کشید و گفت: #171 ای امیرالمؤمنین! مگر چنین چیزی ممکن است که خداوند ببیند من دست هایم را گرفته باشم و شما آب روی دست های من بریزید. #171

حضرت علی(ع) فرمود: #171 هیچ اشکالی ندارد. بنشین و دست هایم را بشوی تا خداوند ببیند برادرت، خودش را برتر از تو نمی داند و بین تو و خودش فرق نمی گذارد و به برادرش خدمت می کند و خداوند در عوض خدمتش، به او پاداش می دهد. چرا می خواهی مانع کار ثوابی بشوی؟ #171

مهمان نشست، اما هنوز به خودش اجازه نمی داد که دستانش را بگیرد تا حضرت، روی آن ها آب بریزد تا حضرت آن ها را بشوید. آخر حضرت او را چندبار قسم داد که من می خواهم به برادر من خود خدمت کنم و به ثواب آن برسم. خواهش می کنم که دست های خود را درست و کامل بشوی همان طور که اگر قنبر می خواست دستانت را بشوید، می شستی، خجالت و تعارف را کنار بگذار.

مهمان هم راضی شد و دستانش را شست. بعد از آن حضرت پارچ آب را به پسر خود محمد بن حنیفه داد و گفت: #171 پسر! اگر پدر این پسر این جا نبود و تنها خود این پسر مهمان ما بود من خود آب روی دستانش می ریختم، اما خداوند دوست دارد اگر پدر و پسری هر دو یکجا حاضر باشند بین آن ها فرق گذاشته شود و به هر دو مثل یکدیگر احترام گذاشته نشود. پدر روی دستان پدر و پسر روی دستان پسر آب بریزد، پس تو روی دستان پسر مهمان آب بریز. #171 محمد نیز روی دستان پسر آب ریخت.